



## پانویست‌ها

- ۱) خردنامه / ویژه‌نامه ضمیمه روزنامه همشهری / ۲۱ بهمن ۱۳۸۳ / صفحات ۱۲ و ۱۳.
- ۲) روزنامه آفتاب یزد / ۱۶ اسفند ۱۳۸۳ / صفحه ۴.
- ۳) روزنامه ایران / ۲۲ فروردین ۱۳۸۴ / صفحه اقتصادی.
- ۴) بازگشت به اصل اسلام / ترجمه محمود اسماعیل‌نیا / روزنامه ایران / ۱۵ اسفند ۱۳۸۳ / صفحه دیپلماتیک.
- ۵) روزنامه ایران / ۲۳ فروردین ۱۳۸۴ / صفحه ۴.
- ۶) از ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور / مصوب ۱۴ تیر ۱۳۵۱.
- ۷) نمونه‌ای از این پرسش‌ها و پاسخ‌ها در شماره قبلی و شماره فعلی همین مجله آمده است.

گام نخست، به ادبیات این حوزه تخصصی بپردازند، یعنی واژه‌ها را به دقت بازتعریف کنند و بعد هم تعاریف را استاندارد کنند. در گام بعدی نیز بسیاری از دستورالعمل‌ها و روش‌های فعلی کار را مورد بازنگری و تعدیل و تصحیح قرار دهند تا به تدریج غبارهای ابهام‌آفرین فرونشینند و دور تازه و هوشمندانه‌ای از بانکداری بدون ربا آغاز شود. به قول جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی:

مسلمانان، مسلمانان، مسلمانان زسر گیرید

که کفر از شرم یار من، مسلمانوار می‌آید

## قانون بانکداری بدون ربا و بهره‌های بانکی

دکتر محمود جامساز

شیوه استدلال - اما در جهت معکوس - در خصوص تسهیلات‌گیرندگان نیز قابل تسری است. بدیهی است از آنجایی که حیات هر نظام اقتصادی به جریان پولی و اعتباری آن نظام وابسته است و بانک‌ها در واقع تجهیزکننده منابع سرمایه‌گذاری‌ها و طرح‌های مولد، از محل پس‌انداز خرد جامعه هستند و در توسعه اقتصادی کشور نقش اساسی را ایفا می‌کنند، لذا هیچ نظام اقتصادی‌ای بدون شبکه کارآمد بانکی قادر به پویایی و بالندگی نیست. بدین جهت نظام جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب که در بُعد اقتصادی به یک نظام اقتصاد سلطه دولتی تبدیل شد، با ادغام بانک‌های ملی شده درشش بانک تخصصی و چهاربانک تجاری به حفظ آنها پرداخت، اما بسیاری از ابزارهای متنوع بانکی را که قابل انطباق با اصول فقهی و حقوقی شریعت نبود، حذف کرد و معاملات بانکی را به عملیات منطبق بر عقود اسلامی محدود نمود، که با توجه به تحولات شگرفی که در تجارت و اقتصاد بین‌الملل پدید آمده است، پاسخگوی نیاز کنونی کشور نبوده، و مشکلات عمده‌ای را در فرایند خدمات بانکی به‌وجود آورده است، که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان امور پولی و بانکی و اقتصادی و عالمان فقهی، نیازمند به بازنگری جدی است. مضاف آن که، مفهوم شراکت در بانکداری بدون ربا، مفهومی صوری است و بانک‌ها سودسپرده‌گذار را به صورت مبلغ علی‌الحساب تضمین‌شده‌ای از پیش تعیین می‌کنند و احتمالاً در پایان سال و پس از مشخص شدن سود قطعی، مابه‌التفاوت را

عملکرد بانک‌ها به شیوه غربی، همواره مورد ایراد فقها و متشرعین بوده است، زیرا عامل بهره در نظام بانکداری از مصادیق ربا تلقی می‌شده که در شرع انور به شدت نهی و ممنوع گردیده است. به همین سبب، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ملی‌شدن بانک‌ها به تدریج احتساب و دریافت بهره بانکی از انواع تسهیلات - اعم از اعتبارات و وام‌ها - حذف شد و در عوض کارمزد بانکی و سود تضمین‌شده جایگزین آن گردید. و در سال ۶۲ هم قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب و به دولت ابلاغ شد تا عملیات بانکی بر موازین شرع مقدس منطبق شود و از فرایند ربا فاصله بگیرد. بر این اساس، از یک سو، سپرده‌گذاران باید به میزان سپرده‌گذاری خود در سود و زیان بانک‌ها شریک باشند و از سوی دیگر، بانک‌ها باید در سرمایه‌گذاری‌ها با استفاده‌کنندگان از تسهیلات مشارکت نمایند و در سود و زیان نیز به نسبت آورده خود سهیم شوند. لذا اساس کار بانکداری اسلامی بر مشارکت بانک با مشتریان خود قرار گرفت و هر نوع عملیات بانکی، خارج از مکانیسم عقود اسلامی ممنوع شد. توجیه نحوه اشتراک بانک با مشتری - مثلاً سپرده‌گذار - بدینگونه است که وی با سپردن وجوه خود به بانک، دیگر مالکیتی بر وجوه خود ندارد، بلکه مالک نوعی دارایی فیزیکی متناسب با ارزش سپرده‌گذاری نزد بانک می‌باشد. سود این دارایی هم پس از کسر کارمزد بانک، به سپرده‌گذار پرداخت می‌شود. هنگام دریافت سپرده نیز سپرده‌گذار دارایی خود نزد بانک را به بانک می‌فروشد و وجه آن را دریافت می‌کند. همین

حذف بسیاری از ابزارهای متنوع بانکی و محدود کردن معاملات بانکی به عملیات منطبق بر عقود اسلامی، پاسخگوی نیاز کنونی کشور نبوده و مشکلات عمده‌ای را در فرایند خدمات بانکی به‌وجود آورده است.



نظام بانکداری بدون ربا را از ارایه بسیاری از خدمات بانکی داخلی و در ارتباط با نظام بانکداری جهانی محروم ساخته است. ناگفته پیداست که در نظام بانکداری غربی، نه تنها بهره متعارف مذموم نیست، بلکه عامل مهم شکل‌گیری عملیات بانکی است که در توسعه اقتصادی کشورها و در ارتقای سطح رفاه ملی نقش اساسی را ایفا می‌کند و در واقع، در تقابل با ریاست، که منافع سودجویانه غیرمتعارف را در هدف دارد. جان مینارد کینز (John Maynard Keynes) اقتصاددان شهیر انگلیسی بهره را پاداش کسانی می‌داند که از نقدینگی خود چشم‌پوشی می‌کنند. یوجین بوم‌باورک (Eugen Von Bohm Bawerk) اقتصاددان اتریشی معتقد است که بهره، پاداشی است که به انصراف از مصرف تعلق می‌گیرد و دیگر دانشمند اتریشی، نات ویکسل (Knut Wicksell) می‌گوید بهره بهایی است که بابت استفاده از سرمایه پرداخت می‌شود و نرخ آن نیز مانند قیمت سایر کالاها در بازار عرضه و تقاضا تعیین می‌گردد. پل ساموئلسون (Paul A. Samuelson) نیز بر این باور است که نرخ بهره ممکن است به حدی کاهش یابد که حتی به صفر نزدیک شود، اما هیچگاه در یک نظام اقتصادی ایده‌آل به صفر نخواهد رسید. لذا نمی‌توان وجود بدیهی پدیده بهره را در اقتصاد انکار کرد.

نظام بانکداری غربی در حال حاضر مجهز به پیشرفته‌ترین ابزارهای بانکی متناسب با پیچیده‌ترین معاملات اقتصاد نوین است که متأسفانه در بانکداری اسلامی بدون ربا، بسیاری از آنها تعریف نشده، زیرا بهره مترادف با ربا تلقی می‌شود. با این وصف، نرخ بهره بانکی بسیار محتاطانه در قالب عملیات بانکی مبتنی بر عقود اسلامی توجیه شده، اما به دلیل محدودیت‌های عقود اسلامی، نظام بانکی، در پوشش بسیاری از ابزارهای بانکداری ناکارآمد مانده است. به‌طور مثال، اعتبار در حساب جاری (Overdraft) که در نظام بانکداری پیشین از عملیات بسیار رایج و متداول بانکی بود، از مصادیقی است که حذف آن عاملان اقتصادی، به‌ویژه تولیدکنندگان را با بحران تنخواه‌گردان روبرو ساخته و لاجرم آنان را به سوی بازارهای غیرمتشکل پولی و ربوی کشانده و آسیب‌زایی را به رونق و روانی تولید و دادوستد وارد ساخته است. این در حالیست که خرید دین موضوع یکی از عقود اسلامی است که به بانک‌ها اجازه می‌دهد تا به منظور ایجاد تسهیلات با هدف گسترش و رونق واحدهای تولیدی، بازرگانی، خدماتی، اسناد و اوراق بستانکاری آنها را که ناشی از معاملات تجاری - اما نه صوری - باشند، با سودی متعارف و ضابطه‌مند تنزیل نمایند.

با این اوصاف، لزوم تغییراتی متناسب با نیاز بانکی کشور، به‌ویژه در ارایه خدمات جدید بانکی و در ارتباط با شبکه بانکی بین‌المللی به شدت احساس می‌شود. بدین منظور، بدو باید

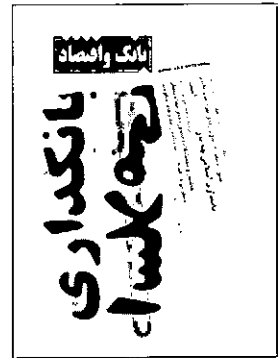
به سپرده‌گذار پرداخت می‌نمایند. اما چنانچه بانک متحمل زیان شود، چنین نیست که سپرده‌گذار در زیان بانک هم سهیم شود، زیرا اصولاً چنین مکانیسمی با هیچ نظام بانکداری‌ای سازگار نیست و یا در زمینه اعطای تسهیلات، بانک‌ها بدون در نظر گرفتن سود و زیان تسهیلات پرداختی در یک عقد مشارکتی، مطالبه سود و جرایم ناشی از تأخیر پرداخت سود را می‌نمایند و چنانچه وام‌گیرنده متضرر شود و قادر به پرداخت دین نباشد، از طریق عملیات اجرای قانونی درباره وثایق در اختیار - اعم از وثایق ملکی و یا سایر اسناد تضمین پرداخت وی - نسبت به استیفای اصل طلب و فرع و جرایم آن اقدام می‌کنند که این فرایند هم بسیار متفاوت و مغایر با روح شراکت است که در قانون بانکداری اسلامی بدون ربا منظور شده است. از این رو، عملکرد بانک‌ها تاکنون بیانگر آن است که قانون عملیات بانکی بدون ربا قادر به استقرار یک نظام بانکداری کارآمد نبوده که علت آن را باید در نحوه تلقی از بهره بانکی و مغایرت آن با احکام شرع دانست. اما اگر قبول کنیم که نظام بانکی یک نهاد رسمی است و تابع مقررات و قواعدیست که منشأ قانونی دارد، و اگر بپذیریم که بانک مرکزی سیاستگذار پولی کشور است که باید اهدافی مانند حفظ ارزش پول ملی، ایجاد اشتغال، تسریع در رشد اقتصادی و ایجاد موازنه در پرداخت‌های خارجی را تعقیب کند، لذا باید به نظام بانکی کشور از دید کلان نگرست، نظامی که بهره بانکی را به عنوان یکی از ابزارهای مهم قانونی و ضابطه‌مند در کنترل نظام پولی کشور در اختیار دارد.

با این اوصاف، بهره بانکی پدیده‌ای غیرقابل انکار است که نه می‌تواند از سیستم بانکی حذف شود و نه می‌تواند از مصادیق ربا تلقی شود، زیرا ربا براساس اضطراب و استیصال وام‌گیرنده با نرخ‌های بهره چندبرابر نرخ بانکی و در غیاب یک ضابطه و قاعده قانونی و حقوقی شکل می‌گیرد که بارآور آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی است و نه تنها در شرع مبین به شدت نهی شده، بلکه در کشورهای غربی نیز تحت عنوان Usury (رباخواری) امری ناپسند و ناصواب تلقی می‌شود.

با این حال، ربا در کشور ما به سبب فقدان بازار پولی کارآمد که بانک‌ها متولی آن هستند، به شدت رواج یافته، به نحوی که نرخ‌های غیررسمی در بازار غیرمتشکل پولی که همان بازار ربوی است، به بیش از چهار برابر نرخ بهره‌های بانکی بالغ می‌شود و مدیون را به سختی در دام عنکبوتی طمع رباخوار اسیر می‌کند.

اما بهره در سیستم بانکی موجبات رونق و رشد اقتصادی را فراهم کرده و در صورت هدایت صحیح سیستم، قادر به تأمین عدالت اجتماعی است و توسل به معاملات صوری برای توجیه مشروعیت بهره در سیستم بانکی، نوعی کلاه شرعی است که

■ ■ ■  
 عملکرد بانک‌ها تاکنون نشان می‌دهد که قانون عملیات بانکی بدون ربا قادر به استقرار یک نظام بانکداری کارآمد نبوده و علت آن را باید در نحوه تلقی از بهره بانکی و مغایرت آن با احکام شرع دانست.  
 ■ ■ ■



مقوله ربا و نرخ بهره بانکی به درستی تعریف و از یکدیگر تفکیک شوند و تا زمانی که نظام بانکی ما اسیر واژه‌هاست، تحول این نظام در جهت همگامی و هماهنگی با نظام پیشرفته بانکی دنیا دوراز انتظار است. بر این اساس و از آنجایی که فقه

اسلامی از خصوصیتی پویا برخوردار است، برعهده فقهای محترم شورای نگهبانست که با تحلیل فقه‌ای متناسب با نیاز روز جامعه، گره کور نظام بانکداری اسلامی بدون ربا را بگشایند و آن را از بن‌یست برهانند.

## هشت مقاله در مقوله بانکداری و بازار مالی اسلامی

گردآوری و ترجمه: سیدحسین علوی لنگرودی

### (۱) بانکداری اسلامی: اسلامی نیست

بهره قراردادی (Contractum Trinus) یک طرفند قانونی برای نزول خواری و ربا خواری بود که در قرون وسطا و به‌وسیله بازرگانان اروپایی به کار گرفته می‌شد، چیزی که کلیسا، به‌شدت با آن مخالف بود. بهره قراردادی، ترکیبی بود از سه قرارداد جداگانه، که به تنهایی هیچ منافاتی با قوانین کلیسا نداشتند، اما در صورت ترکیب شدن با یکدیگر، متضمن دریافت یک نرخ ثابت سود بودند. به عنوان مثال، فرد الف می‌توانست مبلغ ۱۰۰ پوند برای مدت یک سال در فرد ب سرمایه‌گذاری کند. سپس حقوق مربوط به برخورداری از هر نوع سود حاصل از این سرمایه، مثلاً بیش از ۳۰ پوند را در ازای دریافت ۱۵ دلار از فرد ب به او بفروشد. در نهایت نیز برای بیمه خود در برابر هرگونه ضرر و زیان احتمالی، فرد الف قرارداد سومی را با شخص ب و با هزینه پنج پوند منعقد می‌کرد که این پنج پوند به وسیله فرد الف پرداخت می‌شد و یک نوع بیمه سرمایه‌گذاری محسوب می‌شد. نتیجه نهایی این سه قرارداد عبارت بود از پرداخت یک سود ۱۰ دلاری (به فرد الف) در قبال یک وام ۱۰۰ دلاری که فرد الف به فرد ب اعطا کرده بود.

من چندی قبل از آشنایی اولیه‌ام با قرارداد خاص بانکداری اسلامی به نام «مربحه» چیزهایی را در مورد «بهره قراردادی» خوانده بودم. «مربحه» یک نوع قرارداد است که در آن، فرد الف اقدام به تامین مالی خرید کالای X از فرد ب می‌کند. در این بین، بانک به عنوان واسطه عمل کرده و از فرد الف این قول را می‌گیرد که پس از خریداری کردن کالای X از فرد ب، فرد الف آن کالا را از بانک بخرد. در صورت انعقاد چنین قول و قراردادهایی، بانک می‌داند که اگر کالای X را از فرد ب خریداری نماید، می‌تواند بلافاصله آن را به فرد الف بفروشد. بانک با این امر

موافقت می‌کند که فرد الف بهای کالای X را سه ماه پس از تحویل کالا به او، پرداخت نماید، در عوض، فرد الف نیز موافقت می‌کند که مبلغی بیش از آنچه بانک به فرد ب پرداخته، به بانک بپردازد. نتیجه نهایی چنین توافقاتی این است که یک نرخ ثابت از سود مالی به جیب بانک می‌رود، آن هم دقیقاً پس از آن زمانی که بانک کالای X را از فرد ب خریداری نموده است. به عبارت بهتر، بانک به واسطه خرید کالای X، پول الان خود را به پول بیشتری در آینده تبدیل می‌کند.

دو ابزار قانونی که در بالا به آنها اشاره شد، چیزی نیستند جز ترفندی برای ربا یا به عبارت بهتر، یک نوع بهره قراردادی اسلامی نوین! نتیجه آن که، چنین قراردادهایی به نوعی، یک گزاره شرم‌آور در بانکداری اسلامی محسوب می‌شوند. حال سوال اینجاست که اگر چنین قراردادهای عملیاتی پاک و مشروع هستند، پس چرا اینهمه پنهانکاری در آنها وجود دارد؟

آنچه در دنباله خواهد آمد، گزیده‌ای است از یک قرارداد مربحه که به‌طور متناوب، به وسیله دو موسسه مالی بزرگ [اسلامی] در طی دهه ۱۹۹۰ به کار گرفته می‌شد. فرد ذینفع یک مشتری است که نیاز به فاینانس دارد و براساس مقررات قرارداد مربحه، نماینده بانک در تحویل گرفتن کالاها بشمار می‌آید.

### تعهد برای خرید کالاها

۱- ذینفع بلافاصله پس از تحویل کالاها توسط بانک، براساس شرایط مندرج در این موافقتنامه ملزم به خرید کالاها از بانک می‌باشد.

۲- قرارداد فروش کالاها به ذینفع می‌بایستی بلافاصله بعد از تحویل کالاها به کفالت از بانک توسط ذینفع، به صورت تلکس یا تلفکس اعلام شود.

۳- اگر به هر دلیلی، ذینفع از تحویل کالاها خودداری کند یا

چهل سال است که می‌خواهند نظام بانکداری موجود - ربوی - را از درون متحول سازند، اما هیچ چیز تغییر نکرده است و هنوز هم دارای نرخ‌های بهره ثابتی هستیم.